

جنگ و آزادی‌های مشروع



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

اصل معروف نهم قانون اساسی، آزادی‌های مشروع مردم را غیرقابل تعطیل می‌داند. در فراز پایانی این اصل به صراحت مقرر شده است «هیچ‌کس نمی‌تواند به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را حتی با وضع قوانین و مقررات سلب کند». نه مجلس، نه دولت و نه نهادهایی که مقرراتی وضع می‌کنند، مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی و امثال اینها هم نمی‌توانند قوانین و مقرراتی را وضع کنند که موجب سلب آزادی‌های مشروع ملت باشند. آزادی‌های مشروع حداقل همان حقوق و آزادی‌هایی هستند مانند حاکمیت ملت، آزادی بیان، آزادی رسانه، آزادی اجتماعات و آزادی عقیده در فصل سوم و سایر اصول قانون اساسی.

تنها استثنای این اصل، در اصل ۲۹ ذکر شده که طبق آن وضع محدودیت‌های ضروری موقت حقوق ملت ممکن است. طبق این اصل، «درحالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند». چنین تصمیمی چون یک مصوبه است باید در صحن علنی اتخاذ شود.

هدف اصول نهم و هفتادنهم این است که مانع از بهانه‌تراشی دولت و سایر قوا برای بهره‌گیری از قدرت برای محدودکردن حقوق اساسی ملت شوند.

در شرایط اضطراری سال‌های گذشته، مانند سال‌های کرونا و حوادث سال ۱۴۰۱، محدودیت‌هایی برقرار شدند ولی هیچ‌کدام مجوز مجلس را نداشتند.

در جریان تجاوز نظامی اخیر نیز محدودیت‌هایی مانند مسدودکردن اینترنت بدون مصوبه و مجوز ۳۰روزه مجلس است.

تاکید بر این نکته ضروری است که وقتی مجلس مجاز به وضع قوانین و مقررات سالب آزادی‌های مشروع نیست، به طریق اولی سایر نهادها و شوراها نیز صلاحیت چنین کاری را ندارند. همچنین وقتی فقط با مجوز مجلس می‌توان محدودیت‌های ضروری ایجاد کرد، سایر نهادها و شوراها نمی‌توانند جانشین مجلس شوند. طبق اصل شصت‌وسوم، کشور در هیچ زمانی نباید بدون مجلس باشد؛ یعنی مجلس تنها نهاد قانون اساسی است که مطلقاً هیچ جایگزینی ندارد.

پیش از ادامه بحث باید به این موضوع مهم اشاره شود که جنگ به دلیل خطراتی که برای امنیت ملی و حیات هر کشوری ایجاد می‌کند، موجب «وضعیت استثنای» است. در وضعیت استثنائی، حکومت‌ها می‌توانند به حسب ضرورت‌های مهم جنگ، اجرای برخی قوانین را معلق کنند. اما همان‌گونه که از این اسم پیداست، این شرایط جنبه استثنا دارند؛ یعنی نباید دامنه استثناسدن رعایت قوانین گسترده شود... مثلاً دولت می‌تواند انتشار برخی اخبار جنگ را در روزنامه‌ها ممنوع کند، ولی نمی‌تواند به‌طور کلی انتشار روزنامه‌ها را ممنوع کند. بستن اینترنت بین‌المللی شبیه ممنوع‌کردن انتشار روزنامه‌هاست.

بسیاری از قوانین مانند آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری، قانون مدنی، قانون مجازات و از همه مهم‌تر قانون اساسی، هیچ‌گاه مشمول وضعیت استثنائی نمی‌شوند. نمی‌توان به نام جنگ یا شرایط اضطراری، اجرای تمام یا قسمتی از قانون اساسی را معلق کرد. قانون اساسی پایه و شاکله بنیادین تعریف و تعیین نوع حکومت، سازمان حکومتی، حقوق ملت، تکالیف قوای حکومتی و رابطه حقوقی دولت و ملت است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که در تعطیلی جلسات علنی مجلس برای اجرای اصل هفتادونهم و صدور مصوبه مجلس برای برقراری محدودیت‌های ضروری چه باید کرد؟

قانون اساسی پاسخی به این سؤال نمی‌دهد.

این پرسش باید به جدیت مورد توجه دولت و هیئت‌رئسه مجلس بوده و از طریق شورای نگهبان به‌عنوان مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی، پاسخ آن را دریافت کنند.

چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۱ ذی‌القعده ۱۴۴۷
۲۹ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۷۲
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

فرارسیدن ولادت امام رضا را تبریک می‌گوییم

در «شرق» امروز می‌خوانید: آسیب گسترده ۳ کاخ سعدآباد با ۲۱ سنگرشکن • افتتاح بخش روانپزشکی در میناب • وزیر کار خبر داد: ثبت نام ۱۵۰ هزار نفر برای گرفتن بیمه بیکاری

تعویق انتخابات؛ «اتفاقی مبارک» یا بلاتکلیفی مدیریتی؟

ششمی‌ها در پایان باز

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

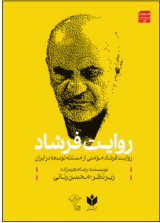
رونمایی از کتاب «روایت فرشاد» با همکاری مؤسسه دین و اقتصاد، پویش فکری توسعه و انتشارات کتاب شرق

ضرورت ذخیره معرفتی مشترک برای توسعه

فرشاد مومنی به روایت علی عرب‌مازار، عباس شاکری و رضا مجیدزاده

عصر سه‌شنبه هشتم اردیبهشت‌ماه کتاب «روایت فرشاد»، که به روایت فرشاد مومنی از مسئله توسعه در ایران مربوط است، در مؤسسه دین و اقتصاد رونمایی شد. این کتاب که یکی دیگر از سلسله‌روایت‌های گفت‌وگوهای توسعه‌است، با اهتمام پویش فکری توسعه و از سوی انتشارات کتاب شرق منتشر شده است.

«روایت فرشاد» توسط رضا مجیدزاده و زین‌نظر محسن رزانی نوشته شده و شامل شش بخش با این عناوین است: «معرفی تفکر»، «ناامنی و ضعف بنیهِ تولیدی»، «عدالت».



«استقلال ووابستگی»، «ارهدرهای توسعه» و «مشروح نشست‌های گفت‌وگوهای توسعه». محسن رزانی به سیاق دیگر کتاب‌های این مجموعه پیشگفتاری برای «روایت فرشاد» نوشته و به مهم‌ترین ویژگی‌های آثار و آرای مومنی اشاره کرده و به خصوص به اندیشه‌های مومنی و توسعه

ایران پرداخته است. در مراسم رونمایی از «روایت فرشاد» رضا مجیدزاده، علی عرب‌مازار، عباس شاکری و فرشاد مومنی صحبت کردند که در ادامه خلاصه‌ای از سخنرانی‌ها آمده است.



این گزارش را در صفحه ۷ بخوانید. عکس: سپندناگی شرق

یادداشت

مهندسی محدودسازی ایران



حامد نقی‌لو

کارشناس سیاست خارجی

ایران در نقطه‌ای ایستاده که هم‌زمان بازیگر مزاحم و بازیگر ضروری نظم منطقه‌ای است و همین دوگانگی، معماری محدودسازی را شکل داده است. محدودسازی ایران از دل ظرفیت‌های کشور در منطقه بیرون آمده است؛ ظرفیتی که اگر مدیریت نشود، می‌تواند نظم موجود را جابه‌جا کند و اگر مهار نشود، می‌تواند موازنه‌های تثبیت‌شده را بی‌اعتبار کند. این‌همان پارادوکس اصلی است. ایران محدود می‌شود چون ظرفیت دارد و همین ظرفیت، محدودسازی را برهزینه و ناتمام می‌کند. در جهان امروز، مهار یک بازیگر دیگر با تحریم و تهدید انجام نمی‌شود. ابزارها تغییر کرده‌اند. فشار از اقتصاد به زمان منتقل

شده، از تحریم به مهندسی، از مانع‌به کندسازی، هدف این نیست که ایران متوقف شود، هدف این است که ایران دیر برسد. دیررسیدن در جهانی که سرعت، تعیین‌کننده قدرت است، یعنی عقب‌ماندن بدون شکست‌خوردن. این همان منطق محدودسازی است؛ نه حذف، نه شکست، بلکه تأخیر. در حوزه تکنولوژی، این تأخیر با مهندسی دسترس‌ی ساخته می‌شود. مسیرها بسته نمی‌شوند، اما طولانی می‌شوند. فناوری ممنوع نمی‌شود، اما گران می‌شود. زنجیره تأمین قطع نمی‌شود، اما نامطمئن می‌شود. این مهندسی انرژی نوآوری را هدف می‌گیرد، همان نقطه‌ای که آینده یک کشور را می‌سازد. وقتی هر قطعه جدید مستلزم بازطراحی مسیرهای قدیمی باشد، ذهن مهندس از نوآوری به بقا منتقل می‌شود و این انتقال، کندترین نوع محدودسازی است؛ محدودسازی که دیده نمی‌شود، اما اثرش در همه چیز جاری است. ایران در این حوزه تنها هدف نیست. ایران در برخی فناوری‌ها به سطحی از استقلال رسیده که محدودسازی را دشوار کرده است. صنایع دفاعی ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، زنجیره داخلی دارد. در حوزه سایبری، ایران بازیگری است

یادداشت

خطر غلتیدن به سمت دولت کاغذی



سیدجواد جمالی

کارشناس اقتصادی

خانه آزادی یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در آمریکا که هرساله ارزیابی‌هایی درباره روندهای آزادی ارائه می‌کند، در گزارش سال ۲۰۲۳ خود نوشت برای ۱۶ سال متوالی آزادی‌ها در جهان در حال افول بوده‌اند. امروزه ۸۰ درصد از جمعیت جهان در کشورهایی به سر می‌برند که خانه آزادی آنها را اقتدارگرا یا تا حدی آزاد توصیف می‌کند. حتی اتحادیه اروپا با وجود تعهد اکید به دموکراسی و حقوق بشر، مستثنا از این امر نیست. از ۲۹ می ۲۰۱۰ مجارستان توسط ویکتور اوربان اداره می‌شود؛ کسی که خود را مدافع دموکراسی غیرلیبرال اعلام کرده و کام‌هایی علیه مطبوعات آزاد و استقلال در آموزش برداشته است. آیا مردم‌سالاری‌ها و جوامع آزاد آنچه را شهروندان می‌خواهند و به آن اهمیت می‌دهند، برمی‌آورند و آیا آنها می‌توانند این کار را بهتر از رژیم‌های اقتدارگرا به انجام برسانند؟ در همه جا این نبردی است برای غلبه بر دل‌ها و مغزهای مردمان. جوزف استکلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد، در کتاب «علم اقتصاد و جامعه خوب» می‌گوید: من عمیقاً باور دارم که دموکراسی‌ها و

جوامع آزاد می‌توانند بسیار کارآمدتر از نظام‌های اقتدارگرا نیازهای شهروندان را تأمین کنند.

آنچه می‌توان مسجّل دانست، این است که جوامعی که دموکراسی را ارج نهاده‌اند، غالباً سطح بالاتری از رفاه را توانسته‌اند ارائه دهند. اما آیا جوامعی که فاقد ساختار لیبرال‌دموکراسی هستند، حکومت‌های ضعیف، شکست‌خورده و ناتوانی‌اند؟ با مطالعه بر روی حکومت‌های اقتدارگرا می‌توان دریافت که برخی ساختارهای سیاسی اقتدارگرا قادر بوده‌اند به نحو مطلوبی وظایف خود را انجام دهند. به اعتقاد اکثر اندیشمندان اقتصادی و سیاسی، مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها ارائه کالاهای عمومی است. ارائه آموزش همگانی، بهداشت، فراهم‌آوردن زیرساخت‌هایی مانند جاده، نیروگاه و... برقراری عدالت اجتماعی و وجود نظام اداری کارآمد از مصادیق کالاهای

موفق می‌شود که ایران نتواند حضور خود را از سطح واکنش به سطح طراحی منتقل کند. ترکیب تکنولوژی و میدان، یک معماری محدودسازی می‌سازد که هدفش نه تضعیف ایران، بلکه مدیریت ظرفیت‌های ایران است. اما این معماری یک نقطه ضعف دارد که به‌شدت به رفتار ایران وابسته است. اگر ایران رفتار خود را قابل‌پیش‌بینی‌تر و مسیرهای تکنولوژیک را بازسازی و حضور منطقه‌ای خود را از سطح واکنش به سطح طراحی منتقل کند، بخش مهمی از این معماری بی‌اثر می‌شود و هزینه محدودسازی برای طرف مقابل بالاتر می‌رود. اما مهم‌تر از همه، ایران ظرفیت‌هایی دارد که کمتر درباره آنها نوشته شده است: ظرفیت ژئوپلیتیک

ایران که موقعیت جغرافیایی را به ابزار قدرت تبدیل می‌کند. ظرفیت تاب‌آوری ایران که فشارهای طولانی‌مدت را بی‌اثر می‌کند. ظرفیت شبکه‌ای ایران که حضور منطقه‌ای را از یک نقطه به چند نقطه منتقل می‌کند. ظرفیت زمان که اجازه می‌دهد ایران در بازی‌های بلندمدت موفق باشد. این ظرفیت‌ها باعث شده که محدودسازی ایران نه یک پروژه کوتاه‌مدت، بلکه یک معماری بلندمدت باشد؛ معماری‌ای که تنها زمانی موفق می‌شود که ایران نتواند ظرفیت‌های خود را به‌درستی مدیریت کند. در نهایت، مهندسی محدودسازی ایران یک واقعیت است، اما یک واقعیت قطعی نیست. این معماری می‌تواند کند شود، می‌تواند شکاف بردارد و می‌تواند در برخی حوزه‌ها بی‌اثر شود، اما این تنها زمانی ممکن است که ایران از منطق تحریم به منطق معماری تغییر مسیر دهد که از دوزخن به ساختن، از حضور به طراحی و از واکنش به چارچوب برسد. جهان امروز نه جهان تحریم است و نه جهان تهدید، بلکه جهان مهندسی محدودسازی است. و ایران تنها زمانی می‌تواند از این معماری عبور کند که خود نیز معماری بسازد؛ معماری قدرت، معماری فناوری و معماری حضور.



معرفی نخست‌وزیر عراق پس از ۱۶۷روز بن‌بست در ساختار سیاسی

وعده‌های «الزیدی» برای خروج از بحران

برگزیده‌ها

خسارت جنگ، ناترازی و تابستان گرم و خشک، هشدارهای مکرر دولت برای صرفه‌جویی انرژی را به دنبال داشت

شرایط ویژه برق

گزارش «شرق» از محدودشدن فعالیت‌های کمبیین جمع‌آوری امضا:

پلتفرمی با ۶۰ میلیون امضا

شادترین کشورهای جهان در سال ۲۰۲۶

نقشه تازه‌رفاه در جهان نابرابر



بازخوانی یک اظهارنظر بحث‌برانگیز منتسب به آیت‌الله هاشمی در گفت‌وگوی «شرق» با غلامعلی ربیعی

داستان یک توییت بعد از یک دهه

یادداشت

تروما پشت میز مذاکره

نقش حافظه تاریخی بدن در مذاکرات ایران و آمریکا



فرهاد نوانی

بدن انسان نه تنها حامل تجربه‌های فردی، بلکه به‌نوعی بایگانی زنده تاریخ جمعی است. پژوهش‌های عصب‌شناسی و اپی‌ژنتیک نشان داده‌اند تجربه‌های شدید ناامنی، جنگ، خستگی، قحطی یا بی‌ثباتی می‌توانند الگوهای واکنش به استرس را در بدن شکل دهند و این الگوها، نسل‌به‌نسل، در سیستم عصبی منتقل شوند و بعدها به شکل رفتارهای ارتباطی بروز کنند. در این‌میان می‌توان گفت فلات ایران در طول تاریخ در چهارراهی قرار داشته که همواره محل عبور و برخورد قدرت‌ها، قبایل و امپراتوری‌های گوناگون بوده است؛ سرزمینی که از روزگار باستان بارها با موج‌های بزرگ مهاجرت و تهاجم روبه‌رو شده، از لشکرکشی اسکندر مقدونی در سده چهارم پیش از میلاد گرفته تا ورود قبایل گوناگون آسیای میانه و سپس یورش‌های ویرانگر مغول در سده سیزدهم میلادی تا تاریخ گسترده استعمارگری انگلیس و روس و اکنون تهدیدهای آمریکا. این تداوم ناامنی و گسست‌های دوره‌ای، در کنار دوره‌های بازسازی و شکوفایی، بخشی از تجربه تاریخی جامعه‌ای را شکل داده که ناچار بوده میان ویرانی و بازآفرینی تعادل برقرار کند. در چنین زمینه‌ای، حافظه تاریخی تنها در متون و روایت‌ها باقی نمانده، بلکه در فرهنگ، زبان، آیین‌ها و شیوه‌های سازگاری اجتماعی نیز بازتاب یافته است؛ تجربه‌ای جمعی که در آن بقا اغلب با احتیاط، هوشیاری در برابر تغییرات قدرت و توانایی بازسازی سریع نظم اجتماعی پیوند خورده است.

ون درکولک در «حافظه بدنی» نشان می‌دهد که سیستم عصبی سمپاتیك در شرایط ناامنی مزمن، الگوی «کوش به زنگ بودن همیشگی» (hypervigilance) را فرا می‌گیرد. این یادگیری در سطحی عمیق‌تر از آگاهی باقی می‌ماند، جایی که قشر سینگولیت قدامی، آمیگدالا و محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال-دالمی در حالت آماده‌در صفحه ۲

آمیگدالا و محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال-دالمی در حالت آماده‌باش قرار می‌گیرند...

آمیگدالا و محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال-دالمی در حالت آماده‌در صفحه ۲